

الحمد لله

234

200

1
389

بوعنقا

www.ketab.ir

تقدیم به:

کسانی که پاک و بی ادعا بودند، جنگیدند، شهید شدند، مجروح شدند و خیلی از آنها هنوز بی نام و نشان زیر خاک های گرم جنوب و اعماق اروند، خفته اند و چه جوانانی که طعمه کوسه ها و ماهی ها شدند؛

تقدیم به:

کسانی که در اسارت، زیر سخت ترین شکنجه ها فریاد زدند اما دست از باورهایشان برنداشتند؛

تقدیم به:

کسانی که هنوز به سختی نفس می کشند و ریه هایشان آنها را به سختی یاری می کند؛

تقدیم به:

جانبا زانی که بدون داشتن دست و پا هنوز با ریختن عرق پیشانی در شهرها و روستاها، روزی حلال به دست می آورند؛

و تقدیم به:

شهادی گمنام و خانواده های چشم انتظار آنها؛

و تقدیم به:

رهبر فرزانه که همچون کوهی استوار ایستاده است و باعث دلگرمی و عزت ملت ایران است؛

و در آخر تقدیم می کنم:

به روح رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی ره و مردم شریف و ولایت مدار ایران.

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۲۰۲۱۳



تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر به نویسنده گرامی تعلق دارد

کاف

از کردستان تا کربلای ۴ و ۵

داود، کمالی، کریمی

بهنام حمیدی

سخنی با خوانندگان

کتاب کاف که اکنون در دستان شماست خاطرات و اتفاقات افتاده در کردستان و لشکر ویژه شهدا که فرمانده دلیر آن شهید اکبر الوطنی، شهید گرانقدر محمود کاوه و برادر رجبعلی کمالی که چندین ماه در سپاه، در کنار او با کدوله‌ها جنگیده و بعد از آن به فرمان امام در سال ۶۵ به جنوب اعزام و در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ شرکت کرده که هم شیمیایی شده و هم از ناحیه دست راست مجروح و سالهای پس از جنگ با مشکلات شیمیایی و جانبازی زندگی کرده و دم نزده؛ و برادر گرانقدر قربان محمد کریمی که جزو گردان غواصها بوده و در عملیات کربلای ۴ یکی از پاهایش را از دست داد و با چندین گلوله در بدن و شیمیایی بازگشت و ایشان هم با همین وضعیت زندگی کرده.

در سال ۹۵ اینجانب بهنام حمیدی دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند (سما)، با دیدن خوابی که به دلیل

نرفتن به مناطق جنگی بود به فکر نوشتن کتاب "خواب‌های حقیقی" افتادم اما در ادامه خواب‌های دیده شده کاشف به عمل آمد که به همان عملیات کربلای ۴ و ۵ و این عزیزان مربوط بود. کسانی که در آن سال به عنوان بسیجی با چندین نفر دیگر از روستاهای خراسان با تیپ ۱۲۱ امام رضا (علیه السلام) اعزام و ادای دین می‌کنند.

این دو کتاب «خواب‌های حقیقی» و «کاف» ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. امید است مورد رضایت جانبازان عزیز، مردم شریف ایران و رهبر فرزانه قرار بگیرد.

در ضمن زمانی که روستان سال ۹۵ از دانشگاه بیرون می‌آمدم و جهت رفتن به مناطق جنوب ثبت‌نام می‌شد همان زمان در واقع و دقیقاً سی سال پیش در چنین روزهایی عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ انجام شد که خود این موضوع یکی از شکفتن‌های این خواب است.

در ابتدا، پشت سر هم خواب می‌دیدم که در واقع تکرار همان یک خواب بود اما بعد از اینکه شروع به نوشتن کردم، خوابها قطع شد و من آنچه در خواب دیده بودم در کتاب "خواب‌های حقیقی" به رشته تحریر در آوردم.

سپاس بیکران از همه کسانی که در این امر مرا همراهی کردند.

بهنام حبیبی

فهرست

۱۱	سالهای کودکی
۱۷	دوستی با رجبعلی
۲۲	سربازی دو دوست
۲۷	اعزام دسته جمعی به جبهه
۳۳	آموزش در بیرجند
۳۸	لشکر ویژه شهدا
۴۳	جراحات پدر
۴۸	تپه عشق آباد
۶۰	بازگشت از کردستان
۶۷	فرمان امام

- ۷۲ روزهای اول در کردستان
- ۷۷ پاکسازی در یکی از مناطق پیرانشهر
- ۸۳ پیک‌نیک کاوه برای بچه‌ها
- ۸۷ کدهای با غیرت
- ۹۲ عملیات فتح و قله سیر
- ۱۰۳ سگاز اقی
- ۱۱۵ سر دشت
- ۱۲۳ بازگشت به خانه
- ۱۲۸ ایلام غرب
- ۱۴۲ آموزش گردان غواصها
- ۱۴۷ خواب شهید اسداللهی
- ۱۶۱ پادگان حمیدیه
- ۱۷۰ وصیت‌نامه بچه‌ها
- ۱۹۲ حرکت به سمت خرمشهر
- ۱۹۷ مدرسه قدیمی
- ۲۱۰ شلمچه
- ۲۱۹ عملیات کربلای ۴ غواصها
- ۲۲۸ رمز یا زهرا علیها السلام و حضور بانو
- ۲۴۲ عملیات کربلای ۴ پیاده

۲۸۰.....	عملیات کربلای ۵
۳۰۵.....	عملیات کربلای ۵، عبور از میدان مین
۳۱۵.....	کربلای ۵، پشت خاکریز خودی
۳۲۰.....	کربلای ۵، اهواز بیمارستان امام خمینی
۳۲۶.....	بیمارستان عیسی ابن مریم اصفهان
۳۳۲.....	بیمارستان جرجانی تهران
۳۳۵.....	حرکت به شهرستان
۳۴۱.....	عملیات کربلای ۴، بیمارستان اهواز و تهران و مشهد
۳۵۱.....	زندگی جانپوران بعد از جنگ
۳۶۸.....	خاطرات و اتفاقات جبهه